



عهد و گفتگو

تفسیر هفتگی تورات

از درسگفتارها و نوشتارهای ربای لرد جانانان ساکس

Jonathan Sacks
THE RABBI SACKS LEGACY

با سپاس از Schimmel Family برای حمایت سخاوتمندانه از عهد و گفتگو به نكوداشت یاد Harry (Chaim) Schimmel. "من از همان بار اول که با نسخه تفسیر توره ربای خیم شیمیل روبرو شدم تا اکنون، آنرا عزیز داشته ام. هدف آن نه فقط نشان دادن حقیقت ظاهری متن توره، بلکه رسیدن به حقیقت ژرفتری است که در آن نهفته است. او به همراه همسر ستودنی اش آنا در شصت سال زندگی مشترک، یک زندگی سرشار از عشق به خانواده، اجتماع و تورات ساختند. زوج بیمانندی که با نمونه زندگی خود، بینهایت الهام بخش من بوده اند."

"- ربای ساکس

مجموعه مقالات امسال در ابتدا توسط زنده نام ربای ساکس در سال ۵۷۷۲ (۲۰۱۱-۲۰۱۲) نوشته شده است.

تفسیر هفتگی توره

Devarim

Profits and Prophets

دواریم: سودها و انبیاء

در سراسر ادبیات دینی تنها چند بخش به پای باب نخست کتاب یسعیا، رؤیت بزرگ (خزان) که نام آن به شبات پیش از نهم آو یعنی غم انگیزترین روز سال عبری داده شده، می رسند. این نوشتار چیزی فراتر از ادبیات درخشان است و یکی از بزرگترین حقایق نبوت را بیان می کند: این که یک جامعه نمی تواند بدون صداقت و عدالت دوام یابد. از این همخوان تر با زمانه ما یافت نمی شود.

تلمود در شبات ۳۱ الف می گوید که وقتی ما این زندگی را که ترک می گوئیم و به دروازه های دنیای در راه (عولام هبا) وارد می شویم، اولین پرسشی که از ما پرسیده می شود یک پرسش قراردادی مذهبی نخواهد بود (مثلا: آیا زمانی صرف آموختن توره کرده ای؟) بلکه گفته می شود که آن پرسش اول چنین است: "آیا در کسب و کار با صداقت (امونا) عمل کرده ای؟" من سابق از خودم پرسیدم چگونه حکیمان تلمودی به محتوای پرسش این قدر اطمینان

داشتند؟ زیرا مرگ سرزمینی کشف نشده است که هیچ مسافری از آن باز نمی گردد.¹ به نظر من پاسخ را در این بخش از یسعیا می یابیم:

بین که چگونه شهر با ایمان به یک روسپی تبدیل شده است! سابق سرشار از عدالت بود؛ پیشتر در آن راستواران برقرار بودند، اما امروز قاتلان بر آن حکومت می کنند! نقره شما اینک ناخالص شده و شراب شما با آب رقیق گشته است. حاکمان شما یاغیان هستند، شریکان دزدان؛ آنها همگی رشوه گرفتن را دوست دارند و به دنبال هدیه گرفتن هستند. مدافع یتیمان نیستند؛ رسیدگی به امور بیوه زنان نزد آنان جایی ندارد.

یسعیا ۲۱-۲۳: ۱

سرنوشت یروشالایم نه به دلیل ناکارآمدی مذهبی، بلکه به خاطر شکست مردم آن در رفتار صادقانه رقم خورد. آنها در کسب و کارهای تقلب آمیزی درگیر بودند که بسیار سودمند و به سختی قابل افشاء بودند؛ مانند آمیختن نقره با فلزات ارزانتر و آبکی کردن شراب. مردم در بنده افزایش هر چه بیشتر سود خود و بی تفاوت به رنج دیگران بودند. سیستم سیاسی نیز فاسد شده بود. سیاستمداران از جایگاه و نفوذ خود برای سود شخصی استفاده می کردند. مردم از این امر خبر داشتند یا دستکم به آن مظنون بودند. یسعیا ادعا نمی کند که چیزی به مردم می گوید که خودشان نمی دانند؛ او انتظار ندارد شنوندگان خود را حیرت زده سازد. این که مردم دیگر هیچ انتظار بهتری از رهبران خود نداشتند، نشانه ای بر زوال اخلاقی بود.

یسعیا می گوید که خطر واقعی چنین است: بی صداقتی و فساد اخلاق جامعه را از بین ببرد و مردم را بدبین ساخته، میان ثروتمندان با فقیران و بی قدرتان شکاف بیفتد، جامعه فرسوده شود و مردم فکر کنند که چرا باید برای خیر عمومی فداکاری کنند اگر هر کس دیگر به فکر سود خودش است.

یک ملت در این شرایط بیمار شده و در لبه پرتگاه انحطاط است. آنچه یسعیا دید و با حداکثر قوا و به روشنی هر چه تمامتر گفت این بود که گاهی متولیان دین رسمی راه حل نیستند، بلکه خودشان به بخشی از مشکل تبدیل می شوند. همواره حتی برای یک ملت یکتاپرست، در معرض افکار جادویی و سوسه آمیز بوده است: این که ما می توانیم با

¹ Hamlet, Act 3, Scene 1

حضور مداوم در معبد، تقدیم قربانی ها و پرهیزکاری ظاهری، می توانیم برای خود و جامعه بخشودگی بگیریم. یشعیا می گوید کمتر اموری به این اندازه خداوند را خشمگین می سازند:

خداوند می گوید: کثرت قربانی های شما به چه کار من می آیند؟ وقتی به پیشگاه من می آید چه کسی از شما خواسته که بارگاه مرا این گونه آلوده سازید؟ بس کنید سوزاندن پیشکش های بیمعنا را! از عودهای شما بیزارم... اجتماعات شرورانه شما را تاب نمی آورم. جشن های ماه نو و جشنواره های فصلی شما روحم را آزار می دهند. آنها به بارِ خاطرِ من تبدیل شده اند. از تحمل آنها فرسوده شده ام. وقتی هنگام دعا دست های خود را می گشایید، از شما چشم برمی گیرم؛ حتی اگر دعاهای بسیار بخوانید، گوش نخواهم داد. یشعیا ۱۱-

۱:۱۵

افراد فاسد نه تنها گمان می کنند می توانند هموعان خود را بفرینند، بلکه می پندارند که خدا را نیز فریب می دهند. وقتی استانداردهای معمول در کسب و کار، امور مالی، داد و ستد و سیاست شکسته می شوند، یک جنون جمعی بر مردم حاکم می گردد که حکیمان تلمودی به آن *adam bahul al mamono* می گفتند، یعنی "پول ما را به کارهای شرورانه وامی دارد" و مردم معتقد می شوند که دارند یک زندگی خوب می کنند و بخت یارشان است و هیچ گاه شکست نمی خورند یا دستشان رو نمی شود. حتی می پندارند که می توانند به خدا رشوه بدهند تا چشمش را از آنها برگیرد. سرانجام همه چیز درهم می شکند، و کسانی از همه بیشتر عذاب خواهند کشید که کمتر سزاوار آن بوده اند.

یشعیا نکته ای نبوت آمیز بیان می کند که معنای تلویحی برای اقتصاد و سیاست امروز دارد و حتی می توان آنرا در چارچوبی سکولار (غیردینی) بیان کرد. اقتصاد بازار آزاد باید یک دستگاه اخلاقی باشد، در غیر این صورت شکست می خورد.

باوری در میان خوانندگان سطحی نگر آثار آدام اسمیت یا پیامبر تجارت آزاد وجود داشت بر این اساس که اقتصاد بازار آزاد اصلاً به اخلاق ربطی ندارد: "ما شام خود را به سبب خیرخواهی قصاب، نانوا و فروشنده به دست نمی آوریم، بلکه آنها برای سود خود کار می کنند." به گمان آنها به سبب هوش این سیستم است که سودجویی در آن

به خیر عمومی تبدیل می شود؛ به قول بیان تقریباً عرفانی آدام اسمیت "با دستی نامرئی". اخلاق بخشی از این سیستم نبود و ضرورتی نداشت.

این بدفهمی از آدام اسمیت بود که به واقع، اخلاق را خیلی جدی می گرفت.² اما همچنین، یک بدفهمی از علم اقتصاد بود. دو قرن بعد در قالب یک ناسازه در نظریه بازی ها به نام ناسازه زندانی پیرامون این امر روشنگری شد. بدون بیان جزئیات، این ناسازه زندانی یک سناریو پیشنهاد می کند که در آن دو نفر دستگیر شده اند و جداگانه مورد بازجویی قرار گرفته اند. آنها این گزینه ها را دارند که سکوت کنند، اعتراف کنند یا یکدیگر را تهمت بزنند. نتیجه تصمیم آنها بستگی خواهد داشت به کار فرد دیگر، اما این را پیشاپیش نمی توان دانست. نشان داده می شود که اگر دو نفر فقط به نفع خود رفتار کنند، نتیجه ای می گیرند که برایشان خوب نخواهد بود. به نظر می رسد که این اصل، زیربنایی اقتصاد بازار را که سود شخصی در خدمت خیر عمومی است، نفی می کند.

از پیامد منفی ناسازه زندانی تنها در صورتی جلوگیری شود که دو نفر به دفعات خود را در شرایط مشابه ببینند. در نهایت، آنها درمی یابند که دارند به یکدیگر و خودشان آسیب می زنند. می آموزند که همکاری کنند و تنها در صورت اعتماد به یکدیگر موفق می شوند؛ آن هم در صورتی که دیگری اعتماد به خود را با رفتار صادقانه و درستکارانه اش به دست آورده باشد.

به بیان دیگر، اقتصاد بازار به فضیلت هایی اخلاقی وابسته است که خود آنها حاصل بازار نیستند و می توانند تحت تاثیر بازار قرار بگیرند. زیرا اگر بازار فقط کسب سود باشد و اگر ما به هزینه و زیان دیگران سود کنیم، آنگاه کسب سود ابتدا به روش های نادرست می انجامد (نقره شما با مس مخلوط شده ب شرابتان با آب) و سپس به از میان رفتن اعتماد و سرانجام، درهم شکستن خود بازار.

نمونه ای کلاسیک از این امر در بحران شکست بازار در سال ۲۰۰۸ اتفاق افتاد. به مدت یک دهه بانک ها مشغول روش های ناسالم بودند، از جمله مهمترین آنها وام های خانه کم اعتبار و مدیریت ریسک از راه ابزارهای مالی فوق پیچیده ای که حتی بانکداران بعدها اقرار کردند که خودشان آنها را نمی فهمیدند. آنها با وجود هشدار وارن بافت در سال ۲۰۰۲ در مورد وام های کم اعتبار که همچون سلاح امحای جمعی مالی "عمل می کردند، به دادن این وام

² This is made clear in the tone and concerns of Adam Smith's book, *The Theory of Moral Sentiments*.

ها ادامه دادند. نتیجه، درهم شکستن بازار املاک بود. اما این، منشأ رکود اقتصادی نبود که پس از این شکست رخ داد. رکورد به این سبب بود که بانک ها دیگر به یکدیگر اعتماد نداشتند. اعتبار دیگر به آسانی داده نمی شد و هر کشوری از پی کشور دیگر دچار رکود اقتصادی شد. کلیدواژه ای که توسط یسعیا و حکیمان تلمودی به کار رفته، امونا است، یعنی اعتماد و درستکاری. یسعیا در هفتارای این هفته دو بار این عبارت *kirya ne'emanah* را به کار می برد، یعنی "شهر درستکاری". از این روی است که حکیمان تلمودی می گویند در عرش خدا از ما خواهند پرسید: "آیا کسب خود را با درستکاری و صداقت انجام داده ای؟". یعنی به گونه ای اعتمادبرانگیز؟ اقتصاد بازار به اعتماد بستگی دارد. اعتماد را حذف کن و در عوض به قراردادهای، وکیلان، قاعده ها و مقامات بازرسی اتکاء کن، آنگاه رسوایی های بیشتر، شکست بازار و بحران بیشتر شاهد خواهی بود، زیرا عدم صداقت آنانی که از اجرای قواعد منحرف می شوند، همیشه از قدرت کسانی که قواعد را نظارت می کنند، پیشی می گیرد. تنها اقتدار امن برای تنظیم بازار، وجدان است، یعنی صدای خدا درون قلب انسان که ما را از کاری که نادرست می دانیم، اما می پنداریم که می توانیم بی سرو صدا آنرا انجام دهیم، باز می دارد.

هشدار یسعیا در زمان ما همان قدر بجا و به موقع است که بیست و هفت قرن پیش بود. وقتی اخلاق رخت ببندد و اقتصاد و سیاست فقط با انگیزه سود شخصی کار کنند، اعتماد از میان می رود و جامعه از هم می پاشد. این گونه است که همه ابرقدرت ها شروع به ریزش می کنند و هیچ استثنایی هم در بین نیست. در بلندمدت، شواهد نشان می - دهند که بهتر است انبیاء را پیروی کنیم، نه سود را.

شبات شالوم

ترجمه فارسی با مشارکت بنیاد ایرانی هارامبام، وابسته به فدراسیون یهودیان ایرانی-آمریکایی

توسط شیرین دخت دقایان

Persian Translation by Shirin D. Daghighian



www.RabbiSacks.org @RabbiSacks

The Rabbi Sacks Legacy Trust, PO Box 72007, London, NW6 6RW • +44 (0)20 7286 6391 • info@rabbisacks.org

© Rabbi Sacks • All rights reserved